

تاجیکان آریاییها و فلات ایران

گردآوری و تحقیق:
میرزا شکورزاده

سروش
تهران ۱۳۸۹
شماره ترتیب انتشار: ۳ / ۱۱۱۶

شکورزاده، میرزا، ۱۹۵۰ -
تاجیکان، آریاییها و فلات ایران / گردآوری و تحقیق میرزا شکورزاده - تهران:
سروش (انتشارات صداوسیما)، ۱۳۸۰.
۳۳۶ ص.

ISBN: 964-435-619-5: ۱۸,۰۰۰ ریال

پشت جلد به انگلیسی:

The Tajik, The Aryans and the Iranian Plateau.

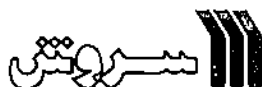
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
چاپ سوم: ۱۳۸۹.
۷۰,۰۰۰ ریال: ISBN: 978-964-12-0024-6
۱. تاجیکان، ۲. تاجیکستان - تاریخ، ۳. آریاییان - تاریخ، الف. صداوسیما جمهوری
اسلامی ایران، انتشارات سروش، ب. عنوان.

۹۵۸/۶

۲۷ش/۹۲۳ DK

۸۰-۹۶۹۹ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتاح، ساختمان سروش

مرکز پخش: ۸-۸۸۳۴۵۰۶۳ و ۵-۶۶۹۵۴۸۷۰

<http://www.soroushpress.ir>

عنوان: تاجیکان، آریاییها و فلات ایران

گردآوری و تحقیق: میرزا شکورزاده

چاپ سوم: ۱۳۸۹

چاپ اول: ۱۳۸۰

قیمت: ۷۰,۰۰۰ ریال

این کتاب در یک هزار نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۶-۰۰۲۴-۱۲-۹۶۴-۹۷۸

چاپ اول و دوم: ۲,۵۰۰ نسخه

فهرست

- چند نکته از گردآورنده و محقق کتاب (میرزا شکورزاده) ۱
- شناسنامه ملت تاجیک (دارا نجات) ۱۱
- فصل اول: تاجیکان در خراسان بزرگ** ۱۵
- درباره فرهنگ آریاییهای آسیای مرکزی (ولادیمیر بارتولد) ۱۷
- تشکل مردم تاجیک و سازمان دولتی آن دولت طاهریان، صفاریان و سامانیان
- (قرنهای نهم و دهم میلادی) (آکادمیسین باباجان غفوروف) ۲۹
۱. تاریخ سیاسی قرنهای نهم و دهم میلادی ۲۹
- نیرو گرفتن اشراف فتودال محلی ۲۹
- طاهریان (۸۲۱-۸۷۳ م.) ۳۱
- صفاریان (۸۷۳-۹۰۳ م.) ۳۴
- تأسیس دولت سامانی ۳۷
- ساختار دولتی و تشکیل دستگاه اداری آن ۴۱
- نزاعهای بین خودی فتودالها و تنزل دولت سامانیان؛ استیلای قراختیان ۴۳
۲. اقتصاد، تمدن مادی، مناسباتهای اجتماعی و اقتصادی کشاورزی ۵۰
- استخراج معادن و صنایع معدنی ۵۳
- تولید شیشه و سفال آلات ۵۶
- انواع دیگر پیشه‌وری و صنایع ۵۹
- ساختمان و معماری ۶۲
- تجارت و معاملات نقدی ۶۵
- بخارا مرکز دولت سامانیان ۶۹
- دستگاه انعامات فتودالی و زمین‌داری شرطی ۷۰
- درآمد حاصل از زمین، حیات کشاورزان و نهضت‌های مردمی ۷۵

۷۸	تشکل خلق تاجیک
۸۵	مسئله پیدایش و انکشاف زبان و ادبیات کلاسیک تاجیک
۹۵	۳. علم و ادبیات خلق تاجیک
۹۵	ترقیات ادبیات بدیعی
۱۰۱	علم و فن

۱۰۵	سامانیان و ترکان (دکتر صالح پرگاری)
۱۰۵	خاستگاه ترکان
۱۰۷	ترکان و ایران پس از سقوط ساسانیان
۱۱۰	مناسبات سامانیان با ترکان
۱۱۵	علل زوال و فروپاشی حکومت سامانیان

۱۲۳	تاجیکان (پیرامون اتنوگینز) (یوسف شاه یعقوب شاه)
۱۲۳	۱- سخنی درباره آریاییها
۱۲۴	۲- معنای واژه تاجیک همان آریایی است
۱۲۵	۳- آریاییها
۱۲۶	۴- فرایاخورنه، سمبول تخت و تاج آریاییها
۱۲۸	۵- نام، یکی از نشانه‌های اتنیکی قومی تاجیکان
۱۲۸	۶- زر و سیم رمز و نماد اتنیکی تاجیکان
۱۲۹	۷- واژه عجم
۱۳۰	۸- واژه آزادگان به معنای آریایی - تاجیکان
۱۳۱	۹- دهقان به معنای آزاده اصیل زاده، آریایی و تاجیک
۱۳۱	۱۰- واژگان تاخیا، هو، هون (زون)، هیان و تاجیک
۱۳۳	۱۱- واژه تات، تت و تاجیک

۱۳۷	آریاییان، تاجیکان و فلات ایران (سیروس ایزدی)
۱۴۹	ترک و تازی در عصر بیهقی (مقاله مرحوم مجتبی مینوی برگرفته از یادنامه ابوالفضل بیهقی)
۱۵۹	«... بیشتری در سوی تاجیکان می بوده» (احمد کسروی تبریزی)
۱۵۹	چند نکته از گردآورنده

۱۶۰	۱- دیباچه.....
۱۶۲	۲- ترکی چگونه و از کی به آذربایجان راه یافته است؟.....
۱۶۲	زمان سلجوقیان یا روزگار کوچ ترکان؟.....
۱۶۴	نخستین دسته‌های ترکان در آذربایجان.....
۱۶۶	آذربایجان در زمان سلجوقیان.....
۱۶۷	آذربایجان در زمان مغولان.....
۱۶۸	آذربایجان پس از مغولان.....
۱۶۹	آذربایجان در زمان صفویان.....
۱۷۳	خجند و خجندیان در آینه ادب فارسی (دکتر رضا مصطفوی سبزواری).....
۱۸۱	آمیزه‌ای از افسانه و تاریخ (نادره بدیعی).....
۱۸۱	نگاهی به فرهنگ عشایر تاجیک.....
۱۸۲	۱. نوروز و جشنهای بزرگ در میان تاجیکان.....
۱۸۵	۲. آثار تاریخی، افسانه‌ها و روایات.....
۱۸۶	۳. جامه تاجیک.....
۱۸۷	۴. خانه تاجیک.....
۱۸۸	۵. خوراک.....
۱۸۸	۶. گزینش همسر و آیین زناشویی.....
۱۹۰	۷. زایش و مراسم تولد.....
۱۹۱	۸. برخی از سنتها و آداب و رسوم.....
۱۹۱	۹. سوگواری.....
۱۹۲	۱۰. هنرهای عشایری.....
۱۹۲	۱۱. موسیقی.....
۱۹۵	فصل دوم: سوگنامه بلخ و بخارا.....
۱۹۷	خیالبافی پان ترکیست‌ها - واقعیت تاریخی (عبدالله مرادعلی بیگی لنگرودی).....
۲۰۱	خاستگاه اقوام آریایی.....
۲۰۳	خاستگاه اقوام آریایی در اوستا.....
۲۰۷	ورودی به بارگاه کتاب استاد شکوری (لایق شیرعلی).....

۲۱۷	معنویت و احیای ملی (محمدجان شکوری بخارایی)
۲۶۳	در بخارا بخار گردیدیم (نماز حاتم اف)
۲۶۵	۱. تاجیکان بخارا
۲۶۵	تعداد اهالی و ترکیب قومی آن
۲۶۸	۲. مکتبهای تاجیکی در استان بخارا
۲۷۰	۳. مناسبت تاجیکان بخارا به زبان و ملت خود
۲۷۱	۴. بعضی اندیشه‌ها
۲۷۲	۵. پایان
۲۷۵	عمر دروغ کوتاه است (حضرت صباحی)
۲۷۵	۱. پرده پندار می‌باید درید
۲۸۰	۲. سمرقند مگر بسمیز کینت بود؟
۲۸۷	از تاریخ سیاسی تاجیکان افغانستان (سعید سعدی زاده سمرقندی)
۲۸۷	آغاز سخن
۲۹۱	تاجیکان خراسان در عهد قدیم و عصرهای میانه
۳۰۶	فشرده تاریخ سیاسی افغانها
۳۱۲	تاجیکان افغانستان در زمان نو
۳۲۲	نفوس و محل سکونت
۳۳۵	در پایان
۳۳۷	مآخذ

چند نکته از گردآورنده و محقق کتاب

نمونه ادبیات تاجیک^۱ کتاب استاد صدرالدین عینی، در فضای فرهنگی آسیای مرکزی ناگهان چون خورشید تابان رخ نمود و موجب شادمانی دوستان ما چه در داخل و چه در خارج از کشور شد. از جمله دانشمند معروف ایرانی، استاد سعید نفیسی که یکی از درخشانترین چهره‌های فرهنگ و ادب کشور ایران محسوب می‌شود، از این رویداد خجسته در قبای شادی نگنجید و آن را فوری در ماهنامه شفق سرخ به خوانندگان میهنش معرفی کرد. ادیب برومند عنوان مطلبش را «سرزمین پاک نیاکانم» نام گذاشته است و او در آغاز چنین می‌نگارد: «نمی‌دانم زبان فارسی این قدر شیرین است یا هر زبانی برای کسانی که به آن سخن می‌رانند، همین شیرینی و گوارایی را دارد. در هر صورت، هر وقت یک کتاب فارسی تازه چاپ شده را می‌بینم، در من سرور و شادمانی مخصوصی پدید می‌آید. ولی این شادی موقعی که مندرجات کتاب از گفتار فصیحای قدیم ایران باشد، دوبرابر است؛ مثل کسی که از ذکر مفاخر اجداد خود طبعاً مغرور و شادمان می‌شود. اگر کتاب دارای این مزایا، از خارج از ایران به دست بیاید، باز عزیزتر است»^۲.

کتاب تاجیکان در مسیر تاریخ^۳ و نمونه آثار شاعران معاصر ما؛ استادان: مؤمن قناعت، لایق شیرعلی، بازار صابر، گلرخسار، عسکر حکیم، گل‌نظر، عاشور صفر و... که در ایران از سوی ناشران معتبری چون انتشارات الهدی و سروش چاپ شد، به پایه کتاب نمونه ادبیات تاجیک استاد عینی مورد بحث و بررسی منتقدان و خوانندگان قرار نگرفت. البته در این مسیر تلاشهای مداوم و خدمتهای پر ارج و تحقیقات با

۱. نمونه ادبیات تاجیک. گردآورنده صدرالدین عینی. (چاپ مسکو، ۱۹۲۶)

۲. سعید نفیسی. «سرزمین پاک نیاکانم». تاجیکان در مسیر تاریخ. (نشر تهران، ۱۳۷۳)، ص ۹.

۳. تاجیکان در مسیر تاریخ. گردآوری و تحقیق میرزا شکورزاده. (انتشارات الهدی، ۱۳۷۲)

ارزش مؤلف کتاب چشم انداز شعر امروز تاجیکستان^۱ استثناست.

نمونه ادبیات تاجیک، شاید نخستین کتابی بود که بعد از گذشت صدها سال جدایی میان تاجیکان و ایران مرکزی، نکته عبیرآمیزی از گلستان خاستگاه زبان پارسی، به میهن شاعران جهان شمولی چون فردوسی، سعدی، حافظ و ... رساند و بوی جوی مولیان و یاد بخارا و یاران مهربان، استاد نفیسی را به شوق آورد و وادار کرد تا به معرفی این کتاب پرارزش دست یازند، زیرا به قول سعدی علیه الرحمه:

جدایی تا نیفتد دوست قدر دوست کی داند شکسته استخوان داند بهای مومیایی را
با فروپاشی شوروی و استقلال جمهوریهای آسیای میانه، دیوار آهنین جدایی میان تاجیکستان و ایران که پایه و اساس آن را قبل از این مصیبت بلشویکی، مغولهای غاصب گذاشته بودند، شکسته شد و کشورهای افغانستان، ایران و تاجیکستان چون برادران گمگشته دوباره یکدیگر را پیدا کردند و در آغوش مهر کشیدند.

با وجود جنگ بی معنی و ننگین برادرکش که در تاجیکستان جوانیخت قریب پنج سال تداوم یافت، باز هم روابط فرهنگی میان جمهوری ما و ایران به شکل خوبی ادامه پیدا کرد و این درخت، جاودانه، سرسبز و بارآور خواهد بود. در نشر آثار ادبای تاجیکستان و معرفی نمونه هایی از نظم و نثر سخنوران قرنهای هجده تا بیست و تحقیق و بررسی شعر معاصر تاجیکستان همه روزه خدمات شایسته ای از سوی صاحب نظران، اندیشمندان، ناشران و مطبوعات ایرانی به ثمر می رسد و چاپ بیش از سی کتاب از سوی «سروش» و «الهدی» و «حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی» و غیره نمونه برجسته ای از فعالیتهای گسترده فرهنگی میان دو کشور برادر محسوب می شود و بنده با اظهار سپاس بی کران، باید عرض کنم که کتاب نخستین تاجیکان در مسیر تاریخ که شامل سی مقاله و قریب پانصد صفحه است، در انتشارات بین المللی الهدی به نشر رسید و اکنون کتاب دوم از همین سلسله، با لطف و محبت برادران هم قلم ما در انتشارات «سروش» به طبع می رسد که گردآورنده و محقق این مجموعه از همکاری و خدمات شایسته و می توان گفت تاریخی آنها سپاسگزار است.

لازم به یادآوری است که تاجیکان در مسیر تاریخ (کتاب اول) در دوشنبه و تهران زود به فروش رفت و از سوی اهل ادب سمرقند، بخارا و برادران افغانی و صدها تن از فارسی زبانان مقیم اروپا با استقبال گرم مواجه شد. دانشمند معروف تاجیک، ولی صمد، نقد بسیار مفصلی بر این کتاب نوشت و اظهار کرد:

۱. علی اصغر شعر دوست. چشم انداز شعر امروز تاجیکستان. (تهران، ۱۳۷۶).

استاد لایق از چاپ کتاب مذکور شاد شد و علامه محمد جان شکوری در عالم ناکرار جست و جویهای خویش، از این کتاب بهره‌برداریهایی کرد^۱. به قول ایشان، چاپ کتاب تاجیکان در مسیر تاریخ در ایران، یک رویداد بزرگ تاریخی و فرهنگی شمرده می‌شود ... همچنین این مجموعه از طریق آیین جهانی‌نمای تاجیک معرفی شد و بخش تاجیکی صدای جمهوری اسلامی ایران، مرکز خراسان، مقدمه و ده مقاله آن را به سمع شنوندگان خویش رسانید. شخصیت‌های بزرگ فرهنگی چون رئیس فرهنگستان علوم تاجیکستان، شهید محمد عاصمی، کمال عینی و احرار مختار آف و رهبر نهضت اسلامی تاجیکستان استاد سید عبدالله نوری و نخست سفیر جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان، علی اشرف مجتهد شبستری و هنرمند پرآوازه تاجیک، استاد جوهره بیک مراد و دهها عزیز دیگر، از دور و نزدیک، از نشر کتاب مزبور اظهار خرسندی کردند. تعدادی از خوانندگان با پیشنهادهای و نظریات خویش فراهم آورنده را از کم و کاستیهای آن مطلع کردند که آن کمبودها در نشر دوم برطرف خواهد شد و بنده از مشورت و پیشنهادات برادران و خواهران گرامی خود سپاسگزارم. با کمال تأسف در این میان عالمانی نیز بودند که کتاب تاجیکان در مسیر تاریخ را از دست این جانب به جای خرسندی و اظهار شادمانی، با رنگ‌پریدگی یا به قول خود تاجیکان، با قوت‌کنده «استقبال» کردند. در تاجیکستان روزنامه‌های دولتی نیز در این باره دم نزدند، که چنین واکنشها حیرت‌آور بود، بویژه، از نشریه‌های ادبیات و صنعت و جمهوریت گله‌مندیم. لطف نظر عزیزان یاد شده در بالا و مواد تازه و مهمی که در زمینه تاجیک‌شناسی به دست آمد، بنده را به تهیه و تدوین و تصحیح مجموعه دوم تحریک کرد، علاوه بر این، به خوانندگان عزیز مژده می‌دهم که در آینده این سلسله کتابها به چهار جلد خواهد رسید. (جالب آن است که کتاب اول تاجیکان در مسیر تاریخ در سال ۱۳۷۸ در پاکستان از جانب انتشارات فضل تجدید چاپ شد).

نشریه سامان آرگان بنیاد بین‌المللی زبان فارسی تاجیکی در شهر دوشنبه، در نقدی با نام «شناسنامه ملت تاجیک» درباره کتاب تاجیکان در مسیر تاریخ بحث و بررسی همه‌جانبه کرده است. سامان ضمن اظهار قدردانی و سپاس از ناشر و ذکر خدمات خاکسارانه فراهم آورنده کتاب، نوشته است که مقاله‌هایی که در این مجموعه گردآمده به قلم ادیبان و محققانی است که با اسم و آثار آنها آشنا نیستیم و همچنین مقاله‌هایی در مجموعه منتشر شده است که قبلاً در دسترس خوانندگان نبود. نویسنده نقد، شاعر میهن‌پرست تاجیک کیای دارانجات، با بیان نام اکثر مقاله‌های مجموعه، ذکر کرده است که «برای آنکه مضمون و

۱. ولی صمد، «حماسه خونین جگران» (نشریه استقلال، چاپ دوشنبه، ژوئن ۱۹۹۶).

مندرجه این کتاب پر قیمت روشن شود، تصمیم گرفتیم از پیشگفتار بسیار خوب گردآورنده و محقق آن یک چند پارچه را پیشکش خوانندگان گرامی گردانیم، از آنکه گفته‌اند، سخن از زبان لقمان خوش است.^۱ همچنین در اینجا چند جمله از دیباچه کتاب راجع به تاریخ تألیف تعدادی از مطالب مجموعه و ارزش علمی آنها و کاستیها و نارساییهایی که راجع به معنای کلمه تاجیک به نظر می‌رسد، در میان گذاشته است. نگارنده نقد که به ظاهر محتوای کتاب را با دید محبت و نظر نیک ارزیابی کرده است، بر این عقیده است که: «این کتاب گرانها را بی هیچ تردید می‌توان در ردیف نمونه ادبیات تاجیک صدرالدین عینی، تاجیکان باباجان غفوروف و فرهنگ زبان تاجیکی همچون سپر معنوی ملت معرفی کرد؛ الحق ملت تاجور و باستانی‌ای که در طول بودوباش خویش بزرگترین کشتارها، ترکتازیها، یغماگریهای به سرش آمده را سپری کرد و در قرن ما نیز هدف ناحق‌شناسیها و محرومیتها قرار گرفت، می‌سزد که برای دفاع خود سپرهای معنوی داشته باشد. از این لحاظ، کتاب تاجیکان در مسیر تاریخ به اهمیت بزرگی حایز است».^۲

ما از نویسنده این مقاله انتظار داشتیم که بیشتر به نقد و بررسی موضوع و مطالب کتاب می‌پرداخت، زیرا کیای دارانجات نه تنها «از چهره‌های مطرح شعر سپید تاجیک است که در شعرهایش تفکر ناب و توحید و عنایت به فرهنگ دینی و شرقی به چشم می‌خورد»^۳، بلکه ادیبی است صاحب نظر و دارای دید ویژه به مسائل ادبیات، تاریخ و هنر و به طور عمومی جامعه.

در میان نوشته‌های دانشمندان تاجیک و ایرانی، نقدی که پروفیسور ولی صمد به کتاب مزبور نوشته‌اند از چند جهت قابل ذکر است، ایشان شاید از نخستین دانشمندان تاجیک در بین همسالان خویشند که درباره ناکامیهای قوم تاجیک با درد و الم بسیار بحثهای علمی کرده‌اند و حتی در زمان رژیم جبار کمونیستی، در انجمنهای بین‌المللی پشتیبان حقیقت تاریخی بوده‌اند. دانشمند وطن‌پرور و برنده جایزه دولتی به نام فردوسی در ۱۹۹۸، استاد ولی صمد، با قلم توانای خود به بدخواهان و حسودان فرهنگ ایرانی، بویژه به آنهایی که دست به تحریف تاریخ زده‌اند، از منبرهای کنگره و کنفرانس‌های بین‌المللی و روزنامه و ماهنامه‌های شوروی سابق و جمهوری تاجیکستان پاسخهای مناسب و ردناپذیر داده‌اند. چنین دلاوری و جسارت را، در زمان حکمرانی شورویها، کمتر عالم یا نویسنده از خود نشان داده است.

نقد استاد ولی صمد به کتاب تاجیکان در مسیر تاریخ از آن جهت مرا شاد و سرافراز کرد که ایشان به هر

۱. «شناسنامه ملت تاجیک». (روزنامه سامان، نشریه بنیاد زبان فارسی تاجیکی در شهر دوشنبه، اردیبهشت ۱۳۷۵).

۲. «شناسنامه ملت تاجیک». (روزنامه سامان، نشریه بنیاد زبان فارسی تاجیکی در شهر دوشنبه، اردیبهشت ۱۳۷۵).

۳. روزنامه اطلاعات، چاپ تهران، ۱ شهریور ۱۳۷۷.

سطری از این مجموعه بسیار عمیق سر فرو برده، در برابر محسنات کتاب، کم و کاستیهایی را که در کار فراهم آورنده و محقق آن پیش آمده است، عادلانه و بی‌روی و ریا، به رشته تحقیق کشیده‌اند. چنانچه در نقد آمده است: «در مقاله‌های کتاب [شاید بعضی از مقاله‌ها را در نظر دارند] بعضاً فکرهای ناصحیح، اندیشه‌های خطا و حتی تحریفکارانه به نظر می‌رسد و محقق را لازم بود در حاشیه کتاب راجع به چنین نواقصی اندیشه‌های خود را بیان می‌نموده»^۱.

دل لبریز از محبت استاد ولی صمد را چند نکته به قول ایشان «خام و خطای» خاورشناس روسی الف. ی. یکو باوسکی به درد آورده است و ایشان به این جمله از نگارش عالم یاد شده حمله کرده‌اند: «هنر ایرانی که وسعت بزرگ داشت و در آن روح ایرانی تجسم یافته است، از مرزهای ایران خیلی و خیلی دورتر رفت ... و نه تنها توسط استادان ایرانی، بلکه بیشتر توسط استادان هنرمند از ارمنستان، آلبانی، آذربایجان، گرجستان و حتی آسیای میانه آفریده می‌شده»^۲.

آری، چنین عقایدی خالی از غرض نیست و مترجم کتاب مشهور برتلس تاریخ ادبیات فارس و تاجیک، دانشمند فرزانه سیروس ایزدی، در دیباچه کتاب نامبرده از چنین اندیشه‌های مضری که هدفشان جدایی انداختن میان فرهنگ واحد ماست، بسیار انتقاد کرده و آورده است: «ما و تاجیکانی که در سرزمینهای دیگر هستند و دولتهای دیگری دارند، همه از یک تبار و دارای یک زبان هستیم و از دستاوردهای ادبی، علمی و فرهنگی یگانه و پرآوازه‌ای برخورداریم و هیچ کدام بر دیگری در این باره برتری نداریم»^۳.

ما پیشنهادهای استاد ولی صمد را به جان می‌پذیریم و در تصحیح و نشر تازه مجموعه نامبرده در اصلاح کمبودهای ذکر شده، خواهیم کوشید.

در نوشتار دانشمند نامبرده که خیلی مفصل و حاوی تحلیل و بررسی همه جانبه علمی است، در کنار ذکر چند کمبود دیگر، از خدمت ناچیز بنده ستایش بسیاری به عمل آمده است که در این حد لایق نیستم و اما جالب آن است که خود استاد ولی صمد درباره معنی و تابشهای واژه تاجیک و تحقیقات پرارزش بعضی از تاجیک‌شناسان، فکرهای جانب و تازه‌ای مطرح کرده‌اند و درست دریافته‌اند که «اولین شخصی که قرابت یا پیوند واژه‌های «تاجیک» و «تازی» را انکار کرده است، خاورشناس بزرگ روس در قرن ۱۹ میلادی، ن. و.

۱. نشریه استقلال. ژوئن ۱۹۹۶.

۲. همان جا.

۳. سیروس ایزدی. دیباچه به کتاب برتلس تاریخ ادبیات فارسی. (تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۳).

خانیک‌آف بوده است ... خانیک‌آف پس از مطالعه آثار فراوان در زمینه تاریخ و تمدن تاجیکان و ایرانیان به این نتیجه دست یافت که قوم تاجیک از تبار آریایی بوده، ربطی به عرب یا ترک ندارد^۱. در این نقد تقریباً هیچ مقاله‌ای از مجموعه تاجیکان در مسیر تاریخ از چشم استاد ولی صمد دور نمانده، و بها و ارزیابی و نظرگاه او درباره آنها منصفانه و حقانی است.

در مطبوعات ایران نیز درباره چاپ این مجموعه خبرها پخش شد، ولی در این میان تنها ماهنامه‌ای که درباره کتاب مزبور به بحث و بررسی بالنسبه وسیعی پرداخت، مجله گزارش بود و آن هم مثل نشریه سامان از چاپ چنین اثری هیجان و خرسندی خود را با صمیمی‌ترین سخنها ابراز کرد و از جمله نوشت: «به دنبال جدایی مناطق خوارزم و فرارود از دیگر مناطق ایران، رفته رفته آگاهی مانیز نسبت به آن منطقه کاستی گرفت، به طوری که ما فرزندان این سرزمین از بخارا، سمرقند، فرغانه و خجند ... که خاستگاه زبانی است که امروز ما به آن گفت‌وگو می‌کنیم، آگاهی چندانی نداریم»^۲.

مؤلف این مطلب دکتر هوشنگ طالع علاوه بر معرفی مجموعه، به بررسی بعضی از بابها و مقاله‌های آن پرداخته، از جمله اشاره کرده است که در نخستین بخش کتاب سخن از سرنوشت کلی واژه تاجیک و قوم تاجیک در میان است. در قسمت دیگر آن که حاکی از تاریخ تیر تقسیم بلشویکی در کشور بخاراست، با چند مقاله دردناک و نامه‌های خونین از نوشته‌های عالمان و نویسندگان تاجیک و روس که همگی مستندند آشنا خواهید شد ... بر حق برخی تاجیکان کتاب مزبور را در ردیف کتاب نمونه ادبیات تاجیک، نوشته استاد صدرالدین عینی و تاجیکان، نوشته استاد باباجان غفوروف قرار داده‌اند^۳.

ما از حسن نیت و ارزش بلندی که نویسندگان محترم نشریه‌های استقلال و سامان (تاجیکستان) و گزارش (ایران) نسبت به کتاب نامبرده قائل شده‌اند، ابراز خوشحالی می‌کنیم، اما اگر محققان گرامی و صاحب‌نظران علم و ادب هر دو کشور و نیز کشور افغانستان از کم و کاستهایی که در محتوای مقاله و به طور عمومی تحقیق و تحریر کتاب سر زده است ابراز عقیده می‌کردند، بیشتر سودمند بود و ما از ایشان دو چندان سپاسگزار بودیم. در هر صورت امیدواریم که در آینده از ذکر نظرگاههای خود درباره حسن و قبح مجموعه تاجیکان در مسیر تاریخ خودداری نورزند و با مشورت و دستوره‌های خیراندیشان خویش در این کار پر ثواب سهیم باشند.

۱. این اقتباس را ولی صمد از کتاب خانیک‌آف، اندیشه‌ها راجع به تحقیق مردم ایران آورده است. رک. نشریه استقلال.

۲. مجله گزارش، شماره ۶۸ تهران ۱۳۷۵.

ژوئن ۱۹۹۶.

۳. همان جا.

اینک کتاب دوم تاجیکان در مسیر تاریخ به نشر رسیده است که شامل چهارده مقاله از اندیشمندان صاحب نام روس، ایران، تاجیکستان و دانشمندان گرامی سمرقند و بخارا است. در این میان رساله آکادمیسین ولادیمیر بارتولد؛ «درباره فرهنگ آریاییهای آسیای مرکزی»، مقاله پرمحتوا و مفصل دانشمندان تاجیک باباجان غفوروف و محمدجان شکوری و تألیفات دکتر رضا مصطفوی سبزواری؛ «خجند و خجندیان در آئینه ادب فارسی» و جناب سعید سعدی زاده؛ «تاریخ سیاسی تاجیکان افغانستان»، مجتبی مینوی؛ «ترک و تاجیک در عصر بیهقی»، مقاله هنرشناس و عالم فرزانه حضرت صباحی تحت عنوان «عمر دروغ کوتاه است» را که حاوی تحلیل و بررسی عمیق علمی می باشند، می توان از مطالب پر ارزش و جالب کتاب دوم تاجیکان در مسیر تاریخ محسوب کرد. چنانچه در رساله مذکور ولادیمیر بارتولد، نیز این نکته تأکید شده است که گذشتگان قوم تاجیک از ساکنان اصلی و بومی ورارود، یعنی آسیای مرکزی بوده اند و اقوام چادرنشینی امثال ترکها بعدها به این منطقه سرازیر شده اند. این مقاله معروف ولادیمیر بارتولد با این جمله آغاز می شود: «مطالعات ما درباره آسیای مرکزی نشان می دهد که مردم بومی آنجا از اقوام آریایی بوده اند»^۱.

می توان گفت تاجیکان رساله دانشمند معروف تاجیک، یوسف شاه یعقوب شاه که بار نخست به الفبای فارسی برگردان شده و در خدمت خوانندگان گرامی ما در ایران قرار گرفته است، بیانگر پژوهشهای عمیق و مداوم این عالم پرکار در زمینه تاجیک شناسی است و از نظر علمی ارزش بالایی دارد.

متأسفانه در ورارود یا به اصطلاح امروز آسیای مرکزی، تاریخ شهرهای قدیم تاجیکان مانند سمرقند و بخارا، پنجکت، نسف، ترمیز، حصار، خجند و استروشن، همچنین شهرستانها و استانهای باستانی ماوخش، ختلان، بدخشان، زرفشان، فرغانه، و نمنگان ... و در افغانستان شهرهای کابل و بلخ و هرات و قندهار ... آنچنان که باید پژوهش نشده و درباره تاریخ این شهرها و سرنوشت تاجیکان که ساکنان اصلی شهرهای یاد شده بوده و هستند از دیدگاه علم معاصر، رساله و کتابهای پُراج تألیف نشده است، درحالی که در ایران امروزه دهها جلد کتاب درباره شهرهای کوچک و بزرگ این کشور و زندگی و روزگار اقوام مختلف آن به نشر رسیده و در خدمت صاحبان این مرز و بوم قرار گرفته است. خوشبختانه، در مجموعه ای که شما خواننده گرامی در دست دارید، مقالهای زیبا با نام «خجند و خجندیان در آئینه ادب فارسی»، موجود است که مطالعه این مطلب ما را یک اندازه از چاه غفلت بیرون می آورد و به عقل و شعور ما در راه

خودشناسی ملی روشنائی می‌بخشد و حتی محبت خواننده را نسبت به گذشته خجند باستانی که قطعه‌ای از وجود ما و پاره‌ای از پیکر تاجیکستان عزیز است، افزون می‌کند. چنانچه در آغاز این مطلب آمده است: «واژه خجند را مردم سعادتمند، معنی کرده‌اند. آن را «عروس دنیا» خوانده‌اند. جغرافی‌نویسان قدیم، مانند ابن حوقل، اصطخری و یاقوت، همگی زیبایی آن را ستوده‌اند و درباره بزرگی و عظمت آن نوشته‌اند: «دارای هشت دروازه، چهار سوق بزرگ، جوامع و مسجد بسیار و آثار خیریه بوده ...»^۱.

مؤلف مقاله استاد مصطفوی همین چهار جمله را از چهار منبع معتبر اقتباس کرده‌اند و نوشته‌ایشان از آغاز تا انجام توصیف و تعریف خجند و خجندیان را دربر می‌گیرد و از تبار آریایی آنها، و به طور عمومی تمام باشندگان وادی طلایی فرغانه، با دلایل قاطع سخن رفته است.

بخش عمده و اساسی کتاب دوم تاجیکان در مسیر تاریخ را مقاله‌هایی تحت عنوان «سوگنامه بلخ و بخارا» دربر می‌گیرد و چون شما خواننده عزیز با «سوگنامه دیار مردان بزرگ» آشنا می‌شوید، به قول شاعر ملی و میهن‌پرست ما استاد لایق «موی در بدنتان سنان می‌شود»^۲ و مقاله‌های با خون جگر نوشته شده را در این باب می‌خوانید و از چنگیزی تاریخ، بویژه مصیبت‌هایی که در دو - سه قرن اخیر از بخارا تا به بلخ و کابل بر سر قوم تاجیک آمده، لاجول می‌گویید. شاید عزیزان فارسی‌زبان ما این نکته را که امروز در بخارا، در دیار آدم‌الشعرا ابو عبدالله رودکی و علامه بوعلی سینا، یک نفر شاعر و نویسنده با استعداد فارسی‌گوی باقی نمانده است، باور نکنند ولی همین طور است اصل کار و به قول شاعر:

در سمرقند قند ما شد زهر در بخارا بخار گردیدیم ...

باید تذکر داد که در میان مقاله و رساله‌های این بخش از کتاب، اثر عالم معروف تاجیک سعید سعدی‌زاده: «تاریخ سیاسی تاجیکان افغانستان» مطلبی است کاملاً تازه و بسیار پر ارزش که نگارنده آن درباره تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قوم بومی این سرزمین، یعنی تاجیکان در دو - سه قرن آخر بحث کرده و پرده از روی صحنه‌های ظلم و استبداد حاکمان وقت در این کشور جبریده برداشته است. تاجیکان جمهوری ازبکستان، امروز سرنوشتی شبیه سرنوشت برادرانشان در افغانستان دوران سلالة نادرشاهی را دارند و زبان، فرهنگ، دفتر و دبستان آنها در حال تعطیل یا نیمه تعطیل است. اگر در این باره در کتاب اول تاجیکان در مسیر تاریخ با چند مطلب از استاد محمدجان شکوری و رستم شکوراف و ادش

۱. مطلب نامبرده در همین مجموعه به نشر رسیده است.

۲. لایق شیرعلی، مقدمه به کتاب خراسان است اینجا، نوشته محمدجان شکوری (دوشنبه، ۱۹۹۶).

استد ... آشنا شده باشیم، در کتاب دوم مقاله مفصل دکتر نماز حاتم‌آف «وضعیت تاجیکان در ازبکستان» نیز دوام منطقی همین بحث است.

هر چند این بحث حدود هفتاد سال در مطبوعات و ادبیات تاجیکستان و ایران و حتی روسیه جریان داشته باشد، باز هم مسئله نقض حقوق مردم تاجیک در جمهوری ازبکستان و مبارزه بی‌رحمانه علیه زبان و فرهنگ آنها در وطن تاریخی قوم تاجیک ادامه دارد. اما پایه همه گونه ظلم بقا ندارد و باز هم نوشته استاد لایق در این باره ما را امیدوار می‌کند. ایشان فرموده‌اند: «یک وقت ان شاء الله در ازبکستان نیز خردمندان والاهمتی پیدا خواهند شد که جهل چنگیزی را رها کرده با کمال پاس تاریخ ضرورت آموختن و دانستن زبان فارسی تاجیکی را درک خواهند کرد». موضوع سلسله‌ای از مقاله‌های این مجموعه نیز روی همین مسائل دردناک است و ما در گشایش گره همه گونه مشکلات امید به عقل سالم و لطف و مرحمت پروردگار داریم.

میرزا شکورزاده

تهران ۱۳۷۸